

See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/334249423>

# Another look at the tomb of Esther and Mordechai Jewish shrine in Hamedan

Conference Paper · July 2014

---

CITATIONS

0

READS

54

1 author:



Reza Nazari Arshad

Islamic Azad University of Hamedan

10 PUBLICATIONS 0 CITATIONS

SEE PROFILE

Some of the authors of this publication are also working on these related projects:



Archaeological Analysis of mausoleum monuments in Hamedan Province [View project](#)

## نگاهی دیگر به زیارتگاه و مکان گردشگری «استر و مُردخایِ یهودی» در همدان: اوهام تاریخی در برابر واقعیت‌های باستان‌شناختی

رضا نظری ارشد

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی همدان: [Rnazari77@yahoo.com](mailto:Rnazari77@yahoo.com)؛ ۰۹۱۸۳۱۶۱۶۷۶

### چکیده

مزار «استر و مُردخای» همدان از مهم‌ترین زیارتگاه‌ها و ابنیه مذهبی یهودیان ایران و حتی جهان می‌باشد که برای پیروان این آیین از ارزش مذهبی و تاریخی فراوانی برخوردار است. یهودیان از دیرباز چنین پنداشته‌اند که مزار مزبور گورگاه و مدفن «استر» ملکه مشهور یهودی شاهنشاه خشایارشا هخامنشی (۴۸۶ – ۴۶۵ ق. م.) و «مُردخای» عموی وی می‌باشد که شرحشان در کتاب استر تورات به تفصیل آمده است، ولیکن این روایت را برخی از محققان و حتی یهودیان آنیرانی تأیید نمی‌کنند و معتقدند که در هیچ یک از دو تلمود بابلی یا اورشلمی اشارتی بدین مطلب نشده است. پژوهشگران چندی نیز درباره انتساب بنای مذکور به استر و مردخای تردید کرده و به طرح انگاره‌های دیگری پرداخته‌اند. برآیند مطالعات نگارنده در خصوص این یادمان تاریخی حکایت از آن دارد که بقعه موسوم به (استر و مردخای) یهودی بر خلاف آنچه یهودیان بر آن باور دارند، مدفن و مزار این دو شخصیت یهودی نبوده و این بنا در آغاز معبد خدایان بابلی (ایشتار و مردوک) بوده که سپس به وسیله یهودیان به مزار (ساختگی) استر و مردخای (اسطوره‌ای) تغییر ماهیت و کاربری داده است.

کلید واژه‌ها: همدان، بقعه استر و مردخای، یهودیان، تاریخ، باستان‌شناسی.

## درآمد

شهر همدان از شهرهای دیرپا و تاریخی ایران زمین است که آثار و یادگارهای تاریخی - فرهنگی ارزشمند و فراوانی را از اعصار و دوران مختلف در خود جای داده است. این ویژگی خاص باعث شده که این شهر کهن در مواقع و ایام مختلف، پذیرای خیل عظیم مشتاقان و علاقمندان به موارث تاریخی باشد. در این میان، زیارتگاه مشهور یهودیان (بقعه استر و مردخای) که از جاذبه‌های شاخص و مهم گردشگری همدان است و جایگاه خاصی در جذب گردشگر دارد، از شهرت بین‌المللی برخوردار است. اما علیرغم موارد پیشگفته، ابهامات چندی نیز در خصوص این بنا از قبیل قدمت و تاریخچه بنا، کاربری اولیه، هویت و تبار حقیقی مدفونین در مزار و چرایی و چگونگی ارتباط این یادمان کهن با قوم یهود وجود دارد. با توجه به این موارد لزوم مطالعه و تحقیق در باب ابهامات و پیچیدگی‌های مزار مذکور ضروری به نظر می‌رسید.

در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده سعی بر آن است که با ارزیابی دقیق و موشکافانه اسناد و مدارک مربوط به این یادمان تاریخی و تحلیل انتقادی هر یک از نظریات ارائه شده، ماهیت، تاریخچه، کارکرد اولیه و حقیقی بنا و همچنین تبار و کیستی مدفونین احتمالی در این بقعه و خصوصیات معماری بنا با بهره‌گیری از رهیافت‌های تاریخی، باستان‌شناختی و مزار شناسی تبیین شود.

## موقعیت مکانی

بقعه مشهور و زیارتگاه یهودیان «استر و مردخای» در مرکز شهر همدان و در ابتدای خیابان شریعتی، به فاصله اندکی از میدان بزرگ مرکزی شهر (امام خمینی «ره») و در داخل کوچه‌ای به نام همین بقعه، روبروی مدرسه‌ای مذهبی با نام «زنگنه» قرار گرفته است.

## پیشینه تحقیقات

بنای مورد بحث تاکنون موضوع اصلی یک پژوهش همه‌جانبه‌نگر، شامل مطالعات از دیدگاه‌های مختلف تاریخی، مزارشناسی، معماری و باستان‌شناختی به صورت یکجا و کامل نبوده است. ولیکن با این وجود، برخی از محققان جمله: هرتسفلد (۱۳۵۵)، مصطفوی (۱۳۳۲)، ذکاء (۱۳۴۲)، ذبیح بهروز (۱۳۴۲)، اذکابی (۱۳۸۰)، صابری (۱۳۷۵) و ... به مطالعه بنا البته از دیدگاهی خاص - غالباً ماهیت مزارشناختی و تعیین و تبیین هویت مدفونین در مزار - پرداخته‌اند. الیاس یاسی گابای (۱۳۸۷) معمار یهودی و طراح ساختمان و محوطه جدید آرامگاه نیز از کسانی است که به تازگی مقاله کوتاهی درباره اقدامات معمارانه خود در این بنا منتشر کرده است. در برخی دانشنامه‌ها و فهرست بناهای تاریخی نیز از این بنا فقط نام برده شده است.\*

\* یادآور می‌شود بقعه استر و مردخای به دلیل اهمیت تاریخی - مذهبی و همچنین از آنجا که به عنوان یکی از مهمترین آثار تاریخی همدان محسوب می‌شود، همواره مورد علاقه و توجه سیاحان و مستشرقینی بوده است که به ویژه در دو سده اخیر از همدان دیدن نموده‌اند. با توجه به این موضوع، این افراد اگر سفرنامه نوشته باشند حتماً بخشی از سفرنامه خود را به بقعه استر و مردخای و وضعیت یهودیان همدان و بیان دیدگاه‌های خود در این باره اختصاص داده‌اند. نگارنده در مقاله‌ای که هم‌اکنون آماده انتشار می‌باشد به بررسی سفرنامه‌هایی که مطالبی در باره این مزار کهن در آنها وجود دارد، پرداخته که مطالب این سفرنامه‌ها را نیز می‌توان در ذیل موضوع «پیشینه تاریخی و تحقیقاتی بنا» بررسی نمود.

## پیشینه تاریخی بنا

در اطراف بنای مذکور - در زمانی نه چندان دور - قبرستانی وسیع، مخصوص دفن اموات یهودی وجود داشته که یهودیان به جهت احترام فراوان به مدفونین در مزار و تقرب مذهبی، درگذشتگان خود را در این قبرستان به خاک می‌سپرده‌اند. نام‌های بسیاری از افراد مشهور مدفون در قبرستان مزبور از جمله برخی پزشکان سرشناس و خاخام‌های ربانی همدان، هم‌اینک به صورت کتیبه‌هایی بر روی لوح‌هایی در دیوارهای داخلی بقعه موجود و برجاست. امروزه به دلیل گسترش محدوده شهر و انجام ساخت و سازهای مختلف در اطراف بنا، از گورستان نامبرده اثری برجای نمانده‌است. به احتمال فراوان، قبرستان یادشده، خود نیز در داخل باغی بزرگ تر (گویا باغ جهودها) قرار داشته است که باستان‌شناس فرانسوی «شارل دوفوسه» حدود نود سال پیش، ضمن کاوش در نقاط مختلف همدان از تاریخ، ۶ تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۳ م. در آن باغ و مجاور با مقبره استر و مردخای، کاوش‌هایی بی‌نتیجه را انجام داده بوده است (Chevalier)، (1989:245-251).

بنای مزبور دارای کتیبه‌هایی به خط عبری می‌باشد که دو تا از کتیبه‌ها، اشاراتی به تاریخ ساخت و همچنین نام بانی دارند و از اهمیت مطالعاتی بسیار فراوانی برخوردار می‌باشند. یکی از کتیبه‌های نامبرده، که بر روی صندوق یا ضریح چوبی منبت‌کاری شده بر فراز قبر استر قرار دارد، تاریخ ۳۶۵۱ پس از خلقت آدم می‌باشد که به گفته خادم و متولی پیشین بقعه، آقای «داود ساسون» ربان روحانی یهودان همدان، تاریخ مذکور، تاریخ ساخت بقعه است. با توجه به این تاریخ، قدمت بنای بقعه (تا این تاریخ) ۲۱۱۰ سال و بر طبق محاسبات انجام‌گرفته، تاریخ ساخت بقعه ۱۰۸ ق.م است. کتیبه دوم، بر روی دیوار ضلع غربی اتاق مقبره به خط عبری قرار دارد که «سر گور اوزلی» افسر انگلیسی از روی آن رونوشت برداشته و آن را ترجمه نموده که به موجب آن، دو تن یهودی کاشانی در سال ۴۴۷۴ از خلقت آدم، ساختمان بقعه را بر فراز دخمه برپا کرده‌اند (گابریل، ۱۳۴۸: ۲۲۳). چنانچه بر اساس این تاریخ نیز محاسبه شود، تاریخ ساختمان بقعه برابر با ۷۱۵ م/۹۷ ق.م می‌شود که در واقع بازسازی و مرمت بوده‌است (اذکایی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). آنچه پیداست این که، بنا از قدمت و دیرینگی زیادی برخوردار بوده و شاید بتوان احتمال داد (چنانچه یهودان همدان خود می‌پندارند) نخستین بنای این بقعه را کلیمیان به عنوان یادگار و یادبود این دو تن که از هر حیث جزو مشاهیر قوم یهود محسوب می‌شوند، یازده قرن پیش ساخته باشند و پس از چندی به حکم تغییر و تبدیل روایات، آن بنای یادگاری به نام مدفن و مزار «استر و مردخای» معروف شده باشد (مصطفوی، ۱۳۳۲: ۱۷۶). بنا در ازمنه مختلف و به دلایل گوناگون (طبیعی، انسانی و...) دچار تخریب شده و سپس مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته‌است؛ چنانچه براساس اسناد و مدارک تاریخی موجود، بنا در عهد ایلخانی و به دستور «سعدالدوله یهودی» وزیر «ارغون‌خان» (م ۶۹۰ ق.) مورد تعمیر و مرمت واقع شده‌است (لوی، ۱۳۳۴: ۷-۹۶). در یورش‌های تیمور گورکانی به همدان بنا به شدت آسیب دیده و سپس در دوره صفوی اقدام به بازسازی آن کرده‌اند، ولیکن از وضع کنونی بنا چنین برمی‌آید که ساختمان فعلی مربوط به قرن هفتم هجری بوده و بر روی ابنیه قدیم تری ساخته شده است (مصطفوی، پیشین: ۱۶۸).

## تاریخچه سکونت یهودیان در همدان

درباره زمان قطعی نشیمن‌گزینی یهودان در جایگاه هگمتانه باستانی و نیز چگونگی پیوستگی و ارتباط آنان با افسانه استر و مردخای معروف، اسناد، مدارک و مطالعات باستان‌شناختی - تاریخی بیانگر این مطلب است که توطن یهودان در همدان احتمالاً اواخر سده هشتم ق.م. بوده که حسب تورات (کتاب ۲ پادشاهان، ب ۱۷، ۶؛ باب ۱۸، ۱۱) «شلمانصر پنجم آشوری» (۷۲۶ - ۷۲۱ ق.م.) جماعتی از ایشان را به شهرهای ماد تبعید می‌کند (۷۲۱ ق.م.).

دو کتاب (سوم و چهارم) از چهارده کتاب برنبنشته/Apokrifia تورات «طوبیت» (Tobit) و «یودیت» (Judit) در واقع داستان‌های تاریخی‌اند که از پیوند یهودان به خاک ماد و شهر همدان حکایت می‌کنند. «طوبیت» مردی متقی است که همواره میان نینوا و ری تردد دارد و سر راه در همدان با بستگان خود دیدار می‌کند؛ زمینه داستان «طوبیت» را ایرانی دانسته‌اند که هم با حکمت احیقرآرامی (سده ۸ ق.م) مربوط است و هم نویسنده با آموزه‌های دینی زردشتی آشنا بوده. ظن قوی می‌رود که او یک یهودی حدود سده دوم ق.م. بوده که در سرزمین پارت می‌زیسته است، اما داستان «یودیت» که زن یهودی دلیر و ستم‌ستیزی است،

توصیفی از دژ و باروها و دروازه هگمتانه به دست می‌دهد و جنگ بخت‌النصر بابلی را بر ضد ارفکشد، پادشاه مادان در فراخای دشت ری گزارش می‌کند. هم او که فاتحانه به هگمتان آمد و آن دژ و باروها را فرو گرفت و جلال و شکوه شهر را از میان برد. گویند که «ارفکشد» یک اصطلاح جغرافیایی است، ولی چنانچه دانسته‌است، همانا یک نام تبار/ Eponym است و گویا داستان جنگ سلوکیان در خاک ماد (سده ۲ ق. م.) و لشکرکشی آنها را به فلسطین (۱۶۷ ق. م.) تداعی می‌کند. باید گفت که داستان آب‌بستن همدان و ویران شدن آن به دست بخت‌النصر چنان که در روایات دوران اسلامی آمده، ظاهراً متأثر از حکایت یودیت است.

داستان دیگری که یهودان را به همدان پیوسته می‌سازد، افسانه ملکه استر و عموی او مردخای در جزو کتب عهد عتیق (کتاب استر) می‌باشد، که یهودان از دیرباز پنداشته‌اند مزار مشهور «استر و مردخای» همدان گورگاه آن دو بوده‌است. بر اساس روایات یهودی - ایرانی آن دو مدفون در آنجا یکی «استر» ملکه مشهور شاهنشاه خشایارشا هخامنشی و دیگری «مردخای» عموی وی می‌باشد (اذکایی، پیشین: ۵۷).

هفدهمین سفر از اسفار چهل‌گانه مجموعه کتب مقدس (عهد عتیق) به نام «کتاب استر» نامیده شده و در آن چنین آمده است: «بعد از آن که «اخشورش» که از شهر شوش به ۱۲۷ ولایت از هند تا حبشه سلطنت می‌کرد، زن خود ملکه «وشتی» را به علت نافرمانی، از مقام خود عزل کرده، از دربار خود اخراج کرد، در صدد انتخاب ملکه‌ای از میان دختران زیبا و جوان کشور برآمد. در این هنگام «هدتسه» که نام ایرانی او استر(ستاره) بود، توسط عموی خود «مردخای» یهودی که با اسیرانی که همراه «یکنیا» پادشاه یهودا، جلای وطن شده و توسط «نیوکدنصر» پادشاه بابل به اسیری آورده شده بود، با پنهان داشتن نژادش به دربار «اخشورش» معرفی شده، مورد نظر پادشاه قرار گرفت و به جای ملکه وشتی منصوب گردید. مردخای که برای اطلاع از حال برادرزاده خود استر، دائماً در حول و حوش کاخ سلطنتی شوش می‌گشت، پس از چندی از توطئه‌ای که برای قتل اخشورش چیده بودند خبردار شده، استر را مطلع ساخت و او نیز موضوع را با اخشورش در میان گذاشت و چون تحقیق کردند، راست درآمد. از این رو به محبوبیت استر نزد پادشاه بیش از پیش افزوده شد. ولی در این میان، هامان یکی از وزرای محبوب پادشاه، به سبب آنکه مردخای به علت یهودی بودن در برابر او سجده نکرده و احترامات لازم را به جا نیاورده بود، از او کینه‌ای در دل گرفت و چون از نژاد او مطلع گشت، در صدد انتقام گرفتن از تمام ملت یهود که از مقررات کشور سرپیچی می‌کردند، برآمد و فرمانی در این باره از پادشاه گرفت که در ۱۲۷ ولایت در روز معین همه یهودیان را از زن و مرد و کودک در هر جا که هستند، قتل‌عام کنند و خود نیز داری بلند برای آویختن مردخای آماده ساخت. مردخای پس از اطلاع از این موضوع، با اندوه فراوان به وسیله کنیزکان، استر را از چگونگی ماجرا آگاه ساخت. از او خواست که از موقعیت خاص خود استفاده کرده، با آشکار ساختن نژاد خود نزد پادشاه برای نجات قوم یهود از این بلیه بزرگ، قیام کند. استر با تمهیداتی که شرح آن به طور مفصل در کتاب مزبور نوشته شده‌است، توانست هامان را مغضوب اخشورش قرارداد، پس از مصادره اموال و خانه‌اش، خود او را از همان داری که برای مردخای آماده کرده بود، حلق‌آویز کند و ده فرزند او را نیز به دنبال او به دیار نیستی بفرستد و نیز فرمانی را که قبلاً صادر شده بود، ملغی ساخته، حتی از پادشاه اجازه بگیرد که در آن روز معین، یهود بتوانند از دشمنان خود انتقام بگیرند. بدین‌گونه یهود توانست در سرتاسر کشور دست به کشتار یازدهم ماه آذار را به مناسبت قرعه‌هایی که هامان برای تعیین تاریخ قتل‌عام یهودیان راه می‌انداخت، پوریم «قرعه‌ها» نامیده، عید می‌گیرند و یکی از مراسم حتمی آن قرائت همین داستان از کتاب مقدس است که چون به نام هامان می‌رسند، همگی فریاد برمی‌دارند: «خداوند نام او را محو فرماید».

## بررسی انگاره‌های مزارشناختی

بیشتر اشاره‌شد یهودیان بقعه مذکور را مدفن دو تن از شخصیت‌های شهیر تاریخی - مذهبی خود دانسته‌اند و در اثبات این ادعا مدارکی نیز ارائه کرده‌اند ولیکن در مقابل، برخی از پژوهشگران با ردّ این نظرات و جعلی خواندن این مدارک، نگره‌های دیگری را در این زمینه مطرح نموده‌اند.

«یحیی ذکاء» از پژوهشگرانی است که درباره‌ی شناخت هویت، نسب و تبار واقعی مدفونین احتمالی در بنا مطالعات گسترده‌ای انجام داده و به نتایج ارزشمندی نیز رسیده است. ایشان بر این باور است که: «اولاً موضوع دفن این دو شخصیت مذهبی یهود در این محل جز شایعه‌ای موهوم و بی‌اساس چیز دیگری نیست و در هیچ یک از اسناد و مدارک تاریخی موجود اشاره‌ای به این موضوع نشده است؛ ثانیاً برخلاف معروف، تاریخ سکونت و اقامت یهودان ایرانی در شهرهای همدان و اصفهان به زمان‌های بسیار دور باستانی کشیده نمی‌شود و مطابق آخرین تحقیقاتی که در این زمینه به عمل آمده، تاریخ اقامت آنان در این دو شهر از اوایل قرن چهارم میلادی، فراتر نمی‌رود. اما در مورد بنای مقبره مزبور، برخی عقیده دارند که در حدود ۱۱۰۰ سال پیش به عنوان بنای یادبود (اگر چه در آن هنگام، ساختن بنای یادبود در ایران و در میان یهود معمول نبوده است) این دو شخص ساخته شده و سپس به اشتباه مقبره آن دو پنداشته شده و زیارتگاه گردیده است. کربورتر سیاح انگلیسی که در اوایل قرن نوزدهم میلادی از بنای مزبور دیدن کرده، شنیده بود که ساختمان آن را در زمان امیر تیمور یا بعد از آن بنا کرده‌اند و سپس در قرن هفدهم یعنی دوره صفویه قسمت‌هایی از آن را مرمت کرده‌اند». ایشان در ادامه با بیان این مطلب که هنوز در مورد زمان تألیف و تاریخ الحاق داستان استر و مردخای به سایر کتب مقدس در میان دانشمندان اتفاق نظر وجود ندارد و اساساً برخی از دانشمندان در صحت وقوع چنین واقعه‌ای مشکوک هستند، می‌نویسد:

«این داستان یا افسانه حماسی که مملو از نژادپرستی یهودی است، برای بیان اساس پیدایش عید پوریم، جعل و ساخته شده و به هیچ وجه خصوصیات یک کتاب مذهبی را دارا نمی‌باشد و حتی برای نمونه، یک بار هم ذکری از نام خدا در آن نشده است. در کتب عهد جدید (اناجیل اربعه و رسالات و مکاشفات حواریون) نیز هیچ‌گاه دیده نمی‌شود که به مطالب این کتاب استناد شده یا از آن نقل قول کنند و در مزامیر مذهبی نیز که درباره‌ی قهرمانان عهد عتیق در ۱۸۰ سال پیش از میلاد سروده شده، هیچ نامی از این دو قهرمان یعنی «استر» و «مردخای» برده نشده و حتی اشاره‌ای به این کتاب نیز نشده است و این اطلاع در دست می‌باشد که در اواخر قرن اول میلادی، هنوز میان «ربی‌های یهود» درباره‌ی این کتاب، آتش مجادله و مباحثه مشتعل بوده که آیا این داستان را جزو کتب مقدس به شمار آورند یا خیر؟ در کلیسای مسیحی نیز سال‌ها شک و تردید درباره‌ی این کتاب دوام داشته و مارتین لوتر مصلح مذهبی و مؤسس مذهب پروتستان، مطلقاً آن را جزو کتب مقدس به حساب نمی‌آورده است و حتی با کمال تعجب دیده می‌شود که در میان قطعات طومارهای بسیار کهن مقدس که اخیراً در حوالی بحرالمیت کشف گردیده، هیچ نام و نشانی از کتاب و داستان مزبور نیست. امروزه نیز اغلب دانشمندان چنین عقیده دارند که این کتاب بر خلاف مدلول داستان‌ش که به عهد هخامنشی و خشایارشا (قرن پنجم ق.م) نسبت داده شده است، در قرن دوم پیش از میلاد جعل و ساخته شده است و برخی دیگر معتقدند که جریان داستان از منازعات و کشاکش‌های مکابی قهرمان قوم یهود و تاریخ سلسله مکابیان متأثر شده است» (۱۳۴۲: ۴۴).

ذکاء در بخش دیگری از مقاله خود با بیان اینکه، سراینده داستان استر، در مورد آداب و رسوم ایرانیان به چند منبع مهم دسترسی داشته، می‌نویسد: «با این همه در کتاب مذکور مواردی وجود دارد که کلاً با رسوم و عادات ایرانیان آن زمان مغایرت دارد و محتمل است که نویسنده آن از تلفیق چند داستان کهن شرقی، این داستان را برای ادای مقصود و بیان منظور خود به وجود آورده است. به هر حال اخشورش با خشایارشا تطبیق شده است ولی در خود داستان نوشته شده که مردخای از جمله اسیرانی بوده که با «یگنیا» پادشاه یهودا، توسط نبوکدنصر به بابل آورده شده است. در صورتی که این امر در حدود یک قرن پیش از جلوس خشایارشا اتفاق افتاده است. بنابراین مشاهده می‌شود که در متن خود داستان نیز تناقضات تاریخی بسیاری وجود دارد و نویسنده آن به زمان وقایع چندان آشنا نبوده است. برخی از نویسندگان نیز استر را با «آمتریس» همسر خشایارشا تطبیق کرده‌اند،

در حالی که می‌دانیم پدر او یک سردار ایرانی بوده و تمام احوالی که راجع به او در تواریخ مذکور است، با آنچه راجع به استر نوشته‌اند کاملاً متفاوت است و این تطبیق اصولاً به هیچ روی صحیح و قابل قبول نیست.

دربارهٔ عید پوریم نیز معتقدند اساس و ریشهٔ خارجی و غیر یهودی دارد و حتی نام آن نیز از زبان عبری مشتق نگردیده و بعضی معتقدند که این عید ریشهٔ ایرانی دارد. اگرچه خصوصیات و منشأ آن غیر قابل کشف است ولی در هر صورت محققاً بسیار قدیمی، بلکه پیشتر از زمان تألیف کتاب استر بوده است» (همان: ۴۶-۴۵)

ادوارد پولاک (ح ۱۲۷۸ ه.ق.) در سفرنامهٔ خود، دربارهٔ مزار و مدفونین در بقعه به طرح نگرهٔ دیگری پرداخته است: «به دلایل زیر، در صحت قصهٔ استر و انتساب آن گور به وی نباید تردید کرد:

۱- یهودیان از زمان اسارت بابل در ایران زندگی می‌کنند؛ مشکل است بتوان مطلبی را که به همهٔ قوم و ملتی مربوط می‌شود به آنان تحمیل کرد.

۲- وصف خیمه‌ها، پرده‌ها و غذاها در مدخل کتاب چنان عالی است که به اقرب احتمال می‌توان گفت نویسنده خود در آنجا بوده است (منظور پولاک از وصف قصهٔ تورات است).

۳- پادشاهان هخامنشی در شوش اقامت داشته‌اند و این شهر در خوزستان قرار دارد. در زمستان اقامت در آن دیار بسیار مطبوع است و در عوض، در تابستان درنگ در آنجا جایز نیست. در نتیجه این رسم ایرانی به وجود آمد که شاه در ناحیه‌ای کوهستانی، خیمه و خرگاه برپا کند. به این منظور در آن حوالی، شهر و جایی مناسب تر از همدان در دامنهٔ کوه الوند که از آن نهرهای متعددی به دشت جاری می‌شود، نمی‌توان یافت و همدان پایتخت تابستانی دولت هخامنشی بوده، پس این احتمال هست که استر به هنگام اقامت در پایتخت تابستانی (بیلاق) مرده باشد و او را در آنجا دفن کرده باشند.

۴- طبق عادات و رسوم شرقی هیچ غیرعادی نیست که شاه در حال مستی یا از روی هوس دستور کشتن زنی را بدهد و بعد زنی دیگر از طبقات عامهٔ مردم را به همسری برگزیند؛ این هم چنین زنی که در اثر جاذبهٔ تن و باهوشی فوق‌العاده چنان بر وی تأثیر کند که در امور مملکتی هم دارای نفوذ کلام شود.

۵- به همین ترتیب است ماجرای هامان که وزیری مقتدر با همهٔ خانواده‌اش به دیار نیستی فرستاده شود؛ چنین داستان‌هایی که امکان تکرار آن در مشرق‌زمین همیشه بوده و هست (۱۳۶۸: ۱۵۱).

ارنست هرتسفلد، باستان‌شناس و شرق‌شناس شهیر، با توجه به متن کتاب شهرستان‌های ایران<sup>۱</sup> که به زبان پهلوی و به احتمال فراوان در زمان سلطنت قباد در حدود ۵۰۰ میلادی نگاشته شده<sup>۲</sup>، احتمال داده که دو گور باستانی داخل بقعه، مربوط به «شوشین‌دخت - شیشیندخت»<sup>۳</sup> یهودی همسر یزدگرد یکم ساسانی (۴۲۰ — ۳۹۹ م) و پدرش رأس‌الجالوت<sup>۴</sup> یهودیان باشد (۱۳۵۵: ۱۷۴).

ذبیح بهروز نیز از جمله پژوهشگرانی است که به مطالعه و بررسی اسناد و مدارک مزارشناختی بنا پرداخته و نگرهٔ خویش را در این باره، ضمن توصیف ساختمان بنا از سوی مصطفوی در کتاب او یادآور شده است. ایشان با استناد به مطلبی از یاقوت حموی - جغرافیدان و سیاح سدهٔ ششم هجری - که می‌گوید: «در همدان از بناهای قدیم، طاقی بلند و جسیم باقی است. مردم دربارهٔ طاق مذکور چنین و چنان می‌گویند که من از ترس اتهام ذکر نکردم» می‌نویسد: این تذکر یاقوت قابل ملاحظه است؛ زیرا باید توجه داشت که مردم در آن زمان از چه اتهامی ترس داشته‌اند. ایشان می‌افزاید: در همدان بنایی به سبک مقبره‌های بودایی دیده می‌شود. این بنا در دورهٔ مغول که مانویان و فرق باطنی نفوذ بسیار داشته‌اند، ساخته شده است. در مدت یک قرن و نیم گذشته کوشش زیادی شده که برای تأیید روایات کتاب مقدس ادلهٔ باستانی جمع‌آوری کنند و لهذا شهرت داده‌اند بنایی که در همدان است، مقبرهٔ استر ملکهٔ یهودی پادشاه پارس است. پس از آنکه تحقیقات باستان‌شناسی پیشرفت کرد، معلوم شد چنین شهرتی اساس ندارد. ایشان سپس به ذکر نگرهٔ هرتسفلد پرداخته و می‌نویسد: مدرک پروفیسور مذکور برای حدس خود فقط چند ورقهٔ موسوم به «شهرستان‌های ایران» به پهلوی است. چند ورق از نوشته‌هایی است که تازه پیدا شده و ضبط پهلوی برخی از کلمات آن به گونه‌ای است که اوراق دست خورده و تحریف شده به نظر می‌رسد و به علاوه درخط پهلوی، آن نام‌ها چندین قسم دیگر هم خوانده می‌شوند. پادشاهان ایران در انتخاب زن و نسب وی دقت زیادی داشته‌اند و لذا برای اثبات این‌گونه وصلت‌ها باید مدارک صریح در دست باشد. حدس تنها کافی نیست. همچنین متذکر می‌شویم که مقصود از یهودی در قرآن، پیروان مذهبی است که



«ازیریس» را فرزند خدا می‌دانستند. این وصف با عقاید یهود کنونی درست نیست. وصلت استر با پادشاه ایران برگردان قصه یوسف است. از یک طرف پسری به مصر می‌رود و به پادشاهی می‌رسد و از طرف دیگر، دختری ملکه فارس می‌شود. برخی از فرق اسلامی چنانچه شهرستانی در ملل و نحل آورده، قصه یوسف را انکار کرده‌اند. در فهرست ابن‌ندیم آمده که: پدر مانی اهل همدان بود و یاقوت حموی آورده که در همدان طاقی از قدیم برپاست که از ترس اتهام چیزی راجع به آن نمی‌نویسیم. ظهور دعوتگران باطنی در سابق و وجود فرق باطنی تاکنون در آن نواحی می‌توانند ما را بر این حقیقت دلالت کند که آن مقبره یا مقبره مادر مانی یا مقبره پدر و مادر مانی هر دو می‌باشد که یاقوت حموی از ترس اتهام به زندقه از شرح آن خودداری کرده است. ایشان در پایان خاطر نشان می‌سازد که از نکات قابل ملاحظه در این بحث همانا دقت در لهجه یهودان همدان است که از روی آن می‌توان دریافت که مهاجرت آنها به شهر مذکور قدمت چندانی ندارد و بسیاری از دسته‌های مانوی در سابق از ترس کشتار، خود را در زی یهود در می‌آوردند (مصطفوی، پیشین: ۱۸۵-۱۸۳). در پاسخ به نظریه ایشان، خود مصطفوی در کتابش می‌نویسد: «بقعه استر، طاق بلند و جسیمی نیست، بلکه بقعه متوسط و حتی از ابنیه تاریخی نسبتاً کوچک می‌باشد، مگر اینکه معتقد باشیم گنبد جسیم منهدم گشته، بنای دیگری به جای آن ساخته شده است. از ترجمه کتیبه صندوق هم چنین امری را می‌توان تصدیق کرد، اما ساختمان قدیم‌تر هم مربوط به مقبره استر و مردخای بوده است نه چیز دیگر. ضمناً باید به این مطلب نیز توجه کرد که نوشته‌های عبری روی صندوق عتیقه و همچنین کتیبه‌های گچ‌بری برجسته به خط عبری بر روی دیوار داخل بقعه استر، نزدیک به زمان ساختمان بقعه یعنی قرن هشتم یا نهم هجری است و اظهار این که بنای مورد بحث، مقبره مادر مانی یا پدر و مادرش هر دو باشد، با وجود این نوشته‌های عبری قدیمی منافات پیدا می‌کند و همین امر می‌رساند که تنها در یک قرن ونیم گذشته کوشش نکرده‌اند بنای مزبور را به استر نسبت دهند، بلکه نوشته روی صندوق عتیقه مزبور به خوبی مدلل می‌سازد که از همان عهد مغول این بنا منسوب و به نام استر بوده است (همان: ۱۸۶)

برخی دیگر از محققین، درباره مدفونین احتمالی در مزار نامبرده به طرح انگاره‌های بسیار متفاوتی پرداخته‌اند. از جمله آقای صابری همدانی معتقد است: با توجه به اینکه ظاهر بنای استر و مردخای اسلامی است، این مقبره مربوط به دو نفر از سلاطین سلاجقه به نام «طغرل» و «سلطان محمود» می‌باشد که در مدرسه حاجیه همدان دفن شده‌اند و مدرسه زنگنه کنونی که در مجاورت مقبره استر و مردخای قرار گرفته و یک راه عبوری فاصله است، احتمال این را دارد که در مکان مدرسه حاجیه، پس از خرابی آن ساخته شده باشد. در گذشته، مدرسه و مقبره به هم متصل بوده، ولی بعداً به این شکل درآمد است و یهودیان به نام استر شهرت داده‌اند (۱۳۷۵: ۲۱۱).

اذکایی درباره صحت و سقم مطالب مندرج در کتاب استر تورات، می‌نویسد: «حسب روایت یهودی- ایرانی آن دو مدفون در آنجا یکی «استر» ملکه مشهور شاهنشاه هخامنشی، خشایارشا و دیگری «مردخای» (Mordechai) عموی وی می‌باشد، ولی این روایت را یهودیان انیرانی تأیید نمی‌کنند، چه در هیچ‌یک از دو تلمود بابلی یا اورشلمی اشارتی بدین مطلب نرفته است. قدیم‌ترین ذکر از مزار استر و مردخای همدان از جهانگرد یهودی اسپانیایی خاخام «رتی بنیامین تطیلی» (م ۱۱۷۳ م) است که به روایتی نادرست در سال ۱۰۶۷ م/ ۴۶۰ ق از شهر همدان دیدار کرده و به روایت صحیح دیگر حدود ۱۱۶۴ م/ ۵۶۰ هجری همدان و نهبوند و ری را دیده، گوید که شمار یهودیان همدان حدود پنجاه هزار تن بوده باشد، مدفن استر و مردخای نیز در پیشگاه کنشت ایشان است». ایشان سپس با ذکر پیشینه دراز نشیمن‌گزینی یهودان بابلی در جایگاه هگمتانه (سده ۸ و ۷ ق.م.) و ضمن یادآوری افسانه ملکه «استر» و عمویش «مردخای» در جزو کتب عهد عتیق به این نتیجه می‌رسد که، یک چنین اعتقادی (اعتقاد به اینکه مزار استر و مردخای همدان، گورگاه آن دو بوده) که یهودیان همدان بازیچه خیال و تصویری مقدس شده‌اند، اولاً هیچ اساس و مأخذ تاریخی ندارد (۱۳۸۰: ۲۹۸، همچنین؛ جکسن، ۱۳۵۲: ۱۹۰). ثانیاً نظر به شباهت تام بین داستان مزبور با افسانه الهه «ایشتار» و خدای «مردوک» بابلی، اساس کتاب استر را در عهد عتیق یک روایت بابلی سده ۵ ق.م. دانسته‌اند، که چالش و دفاع مردوک (مردخای) و ایشتار (استر) را با خشایارشا هخامنشی بیان می‌کند؛ همین کتاب که علی‌التحقیق حوالی سال ۱۲۵ ق.م. نوشته شده، تقلیدی از نمونه‌های یونانی و به سبک همان حکایت «یودیت» یهودی، متضمن مسائل سیاسی دوره سلوکیان در ایران می‌باشد (اذکایی: همان، همچنین؛ ادی، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۱۷۳) بدین‌سان می‌توان احتمال داد که مزار استر و مردخای کنونی



همدان، حسب قرائن معین، همانا بقایای معبد باستانی «ایشتار» و «مردوک» بابلی در جایگاه هگمتانه بوده باشد؛ چه مردخای/Mordechai (نک: عذرا، ۲۰۲/۱. نحمیا، ۷۰۷). خود وجهی از Mardukaiya است.

به تحقیق، آیین‌های مردوک و ایشتار طی سده‌های ۸ تا ۶ ق. م. در سرزمین زاگرس و حتی فراسوی قفقاز هم رایج بوده‌است. در ارتباط با نظریه مطروحه توسط هرتسفلد نیز بر این باوریم که استبعادی ندارد اگر دو گور داخل بقعه یهودی استر و مردخای را مربوط به «شوشین‌دخت» و پدرش «رأس‌الجالوت» یهودان بدانیم؛ یعنی همان بنای باقی از معبد «ایشتار و مردوک» بابلی عهد باستان، ضمناً تشبیه زناشویی شاه هخامنشی (خشایارشا) با «استر» یهودی و شاهنشاه ساسانی «یزدگرد» با دختر رأس‌الجالوت، بسا که خود ناشی از سنت تداخل اخبار رسمی با افسانه‌های کهن بوده‌باشد (اذکایی، همان، ۷۵، اینوسترانتسلف، ۱۳۴۸: ۱۱۰).

چنانچه پیشتر اشاره شد، ربان داود ساسون همدانی حسب تاریخ کتیبه عبری صندوق مزار «استر» همدان (به سال ۳۶۵۱ مبدأ آدم)، قدمت بنای بقعه را تا این تاریخ ۲۱۱۰ سال دانسته است که بر طبق محاسبات انجام گرفته سال ۱۰۸ ق. م. می‌شود، حساب بسیار درستی است و این تاریخ هم در اثنای غلبه نهایی پارتیان به سلوکیان (هلنی) غرب ایران و بابل، با آنچه پیشتر در باب تاریخ تألیف کتاب استر (ح ۱۲۵ ق. م.) گفته شد، تقریباً مقارن است، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مزار «استر و مردخای» (از اواخر سده دوم ق. م.) همانا بر شالوده نیایشگاه کهن «ایشتار و مردوک» بابلی در همدان بنیاد شده است. مورخ یهودی یوسف فلاوی گفته است: که دانیال نبی یک کاخ باشکوه در اکباتان بنا کرد و آن گورهای شاهان مادی، هخامنشی و پارتی را هم در بر می‌گرفت که البته توسط روحانیون یهودی محافظت می‌شد. اما این فقره (که شاید ربطی به مزار مزبور داشته یا حاکی از وجود بناها و ماندگاه‌های یهودی در همدان است) گویند که یکسره خیالپردازی است (Brown 1997: 82).

## تحلیل معماری

### الف - نقشه

بنای بقعه استر و مردخای تقریباً بر نقشه مربع و در جهت شمالی جنوبی قرار گرفته‌است. طول و عرض بنا در اضلاع مختلف به جهت برخی پیش‌آمدگیها یا عقب‌نشینی سطوح مختلف بنا، با یکدیگر متفاوت می‌باشد. در ضلع شرقی، جلوخان یا مدخل بنا با پیش‌آمدگی تقریبی به طول یک‌متر از دیوار ضلع شرقی قرار دارد که در ورودی بنا به عرض ۷۰ سانتی‌متر و ارتفاع تقریبی ۱/۱۰ متر در دیواره انتهایی آن تعبیه شده است.

نقشه داخلی بنا از دو اتاق مختلف تشکیل شده‌است که یکی از آنها اتاق ورودی و دیگری اتاق مقبره می‌باشد. اتاق ورودی بنا به صورت مستطیل شکل بوده و به طول شمالی - جنوبی ۸/۷۵ متر و عرض غربی - شرقی ۳/۷۵ متر می‌باشد. در وسط دیوار ضلع شمالی همین اتاق و در ارتفاع تقریبی ۳ متر از سطح داخلی اتاق، دریچه و نورگیری با ابعاد تقریبی ۳۰×۵۰ سانتی‌متر واقع شده که بخشی از روشنایی اتاق مذکور را تعیین می‌کند. از طریق مدخل کوچکی که در دیوار ضلع غربی اتاق ورودی تعبیه شده، می‌توان به اتاق مقبره راه یافت. اتاق مقبره نیز با نقشه مربع با ابعاد تقریبی ۳/۷۵×۳/۷۵ متر در قسمت غربی اتاق ورودی قرار گرفته‌است. در ضلع جنوبی اتاق مقبره، طاقنمایی با عمق ۹۰ سانتی‌متر و صفا یا شاه‌نشینی به طول تقریبی شمالی - جنوبی ۳/۵۰ متر و عرض شرقی - غربی ۳ متر قرار دارد. در ضلع شمالی صفا یا شاه‌نشینی مزبور به مانند اتاق ورودی، نورگیر یا دریچه‌ای کوچک با همان ابعاد پیشگفته وجود دارد که قسمتی از روشنایی اتاق مقبره را تأمین می‌کند. بدنه بنا در منتهی‌الیه اضلاع غربی و جنوبی بیرونی به صورت مدور و برج‌گونه می‌باشد که تا قسمت رُخبام بنا امتداد می‌یابد.

### ب - نماها

#### ب - ۱ - نما و تزیینات بیرونی

نمای بیرونی بنا از دو قسمت، بدنه بنا و گنبد بیرونی تشکیل شده است. ضلع شرقی بدنه بنا به طول ۱۱/۵۰ متر و ارتفاع تقریبی ۴/۵۰ متر می‌باشد. در منتهی‌الیه جنوب این ضلع از بنا، که به فاصله یک متر از دیوار ضلع شرقی جلوتر آمده، ایوان و سردر ورودی یا جلوخان بنا قرار گرفته است. ایوان مذکور با طاق جناغی پوشش یافته است. در دو طرف ایوان ورودی، دو سکوی نشیمن

آجری که قسمت فوقانی هر یک از آنها با سنگ یکپارچه‌ای از جنس گرانیت پوشیده شده، به طول، عرض و ارتفاع تقریبی ۷۵ سانتی‌متر قرار گرفته‌اند. عرض ایوان ورودی ۴/۳۰ متر و ارتفاع آن تقریباً ۳ متر می‌باشد. در دیوار انتهایی ایوان مذکور، طاق‌نمایی کوچک با پوشش طاق جناغی قرار دارد که درب ورودی به داخل بنا درون آن تعبیه شده‌است. عرض طاق‌نما، تقریباً یک متر و ارتفاع تقریبی آن ۱/۸۰ متر می‌باشد. در داخل این طاق‌نما دری سنگی از جنس گرانیت و به ابعاد تقریبی ۷۰ سانتی‌متر عرض و ۱/۱۰ متر ارتفاع وجود دارد. این دری سنگی بر روی پاشنه خود، یکی در بالا که در حفره سردر فرورفته و دیگری در زیر که در حفره آستانه قرار دارد، به راحتی چرخیده و باز و بسته می‌شود. به نظر می‌رسد تنها یادگار بنای اولیه آرامگاه از گذشته همین دری سنگی باشد. بنا به گفته متولی یهودی کنونی بقعه، وزن آن در حدود ۴۰۰ کیلوگرم می‌باشد. ورود و خروج هر کس از این مدخل می‌بایست به صورت خمیده باشد، زیرا چنانچه پیشتر ذکر شد، ارتفاع آن بسیار کم می‌باشد. در همین بخش از بنا دریچه و نورگیر کوچکی به ابعاد تقریبی ۵۰×۶۰ سانتی‌متر به فاصله تقریبی ۴ متر از لبه شمالی ضلع شرقی و ارتفاع تقریبی ۳ متر از سطح زمین قرار دارد که بخشی از روشنایی و نور اتاق ورودی یا اتاق نخستین مقبره را تأمین می‌کند. در اضلاع غربی و جنوبی بنا هیچ‌گونه تزئین خاصی مشاهده نمی‌شود. تنها نکته قابل ذکر اینکه، در محل اتصال این دو ضلع با همدیگر، ستون توکار مدوری که به فاصله تقریبی ۵۰ سانتی‌متر از بدنه اصلی بنا جلوتر آمده، مشاهده می‌شود که این ستون مدور تا رُخام امتداد می‌یابد. ضلع شمالی بنا نیز فاقد هرگونه تزئین خاصی می‌باشد، مگر اینکه دو دریچه کوچکی را که در بدنه و نمای این بخش از بنا قرار دارد در شمار تزئینات این بخش محسوب کنیم. یکی از دریچه‌ها یا نورگیرهای مذکور، بخشی از روشنایی اتاق ورودی و دریچه دوم نیز بخشی از روشنایی اتاق مقبره و شاه‌نشین آن را تأمین می‌کند.

گنبد بنا از نوع گنبدهای دوپوش گسسته می‌باشد که پوشش داخلی گنبد (عرقچین) نیم‌کروی و گنبد بیرونی از نوع گنبدهای تقریباً مخروطی شکل می‌باشد. گنبد در قسمت جنوب‌غربی بنا و بر روی اتاق مقبره قرار گرفته‌است. در نمای قسمت جنوبی گنبد، دریچه‌ای مشاهده می‌شود که از طریق آن می‌توان وارد فضای بین دو گنبد شد. گنبد تماماً با آجر ساخته شده و تنها تزئینی که در آن مشاهده می‌شود، شش طرح کوچک کاشی‌کاری‌شده لوزی شکل با کاشی‌های آبی یکرنگ می‌باشد که به فواصل معین از همدیگر بر روی سطح فوقانی گنبد مشاهده می‌شود. یادآور می‌شود ارتفاع بنا از رأس گنبد تا صحن مقبره ۱۲/۵۰ متر می‌باشد.

## ب - ۲ - نما و تزئینات داخلی

بدنه بنا در داخل از دو اتاق تشکیل شده‌است. اتاق ورودی در قسمت شرقی اتاق مقبره قرار گرفته‌است. چنانچه پیشتر اشاره شد، ورودی بنا در منتهی‌الیه ضلع شرقی همین اتاق واقع شده‌است. اتاق ورودی به صورت مستطیل ساخته شده و ابعاد آن به طول شمالی - جنوبی ۹ متر و عرض شرقی - غربی ۴ متر می‌باشد. مدخل و معبر ورودی به اتاق مقبره در ضلع غربی همین اتاق و در سطح پائین‌تری نسبت به اتاق ورودی واقع شده‌است. فاصله لبه جنوبی مدخل تعبیه شده در ضلع غربی اتاق ورودی تا انتهای جنوبی دیوار ضلع غربی تقریباً ۲/۵۰ متر و فاصله لبه شمالی آن تا انتهای شمالی دیوار ضلع غربی ۶ متر می‌باشد. عرض مدخل ورودی به اتاق مقبره تقریباً ۷۵ سانتی‌متر و ارتفاع آن نیز تقریباً ۲/۷۵ متر می‌باشد. در قسمت‌های مختلف دیوارهای اتاق ورودی، کتیبه‌هایی به زبان عبری و در ابعاد مختلف وجود دارند که یا به طور مستقیم بر روی دیوار به وسیله گچ و به صورت برجسته‌کاری نوشته شده‌اند یا اینکه ابتدا بر روی قطعه سنگ یا فلز جداگانه‌ای حکاکی شده و سپس در داخل سطوح میانی و دیوارهای بنا کار گذاشته شده‌اند.

در هر صورت، هیچ‌یک از کتیبه‌های مذکور ارتباطی با تاریخ ساختمان بنا یا نام بانی آن ندارند، بلکه این کتیبه‌ها، زیارت‌نامه‌هایی به زبان عبری برگرفته از کتاب مقدس (تورات) و در برخی موارد نیز نام زائرین بقعه یا نام برخی مدفونین سرشناس و معروف یهودی در قبرستان همجوار بقعه که هم‌اکنون نابود شده، می‌باشند. لازم به ذکر است که «سر رابرت کرپورتر» به هنگام دیدار خود از بنا در سال ۱۸۱۸م و ضمن نگارش سفرنامه خود ترجمه بخشی از متن یک کتیبه عبری را که به گفته ایشان بر روی سنگی مرمرین در مقبره قرار داشته، در کتاب خویش آورده‌است ولیکن جای دقیق کتیبه نامبرده را مشخص نکرده‌است.

نگارنده با بررسی‌هایی که در داخل بقعه و قسمت‌های مختلف آن به عمل آورد، به جز یک کتیبه عبری که بر روی سنگی مرمرین و سفیدرنگ در فراز مدخل و معبر ارتباطی بین اتاق ورودی و اتاق مقبره در داخل دیوار تعبیه شده، کتیبه دیگری را با مشخصات مذکور مشاهده نکرد و به احتمال فراوان، کتیبه مزبور همان کتیبه مورد نظر «کریپوتر» می‌باشد که اینک ترجمه آن ذکر می‌شود: «و مردخای از حضور پادشاه با لباس ملوکانه، لاجوردی و سفید و تاج بزرگ زرین و ردای کتان نازک ارغوانی بیرون رفت و در شهر شوش شادی و وجد نمودند و برای یهودیان روشنی و شادی و سرور و حرمت پیش آمد.» (کتاب استر، باب هشتم، آیات ۱۷-۱۵). در دیگر قسمت‌های اتاق ورودی، تزیینات خاصی مشاهده نمی‌شود، به جز آنکه تمام سطوح دیوارهای این اتاق را با روکش گچ، سفیدکاری و سپس رنگ‌کاری کرده‌اند.

چنانچه پیشتر ذکر شد، اتاق ورودی به وسیله مدخلی کوتاه به اتاق مقبره مربوط می‌شود. اتاق مقبره با نقشه مربع و به ابعاد تقریبی  $3/75 \times 3/75$  متر می‌باشد. در ضلع جنوبی اتاق مقبره، طاق‌نمایی به عمق ۹۰ سانتی‌متر تعبیه شده که در قسمت فوقانی آن کتیبه‌ای کوچک به زبان عبری نوشته شده است. در سطح دیوار ضلع غربی اتاق مقبره، کتیبه‌ای عبری به‌طور برجسته گچ‌بری شده که در میان ابنیه قدیمی ایران اثر تاریخی منحصر به فردی به‌شمار می‌آید. ترجمه این کتیبه از این قرار است: «پنجشنبه، پانزدهم ماه آذار، سال ۴۴۷۴ از آفرینش جهان، ساختمان این معبد فرا سر قبور مردخای و استر به پایان رسید، به دست برادران نیک‌سیرت الیاس و سموئیل، پسران مرحوم اسماعیل کاشانی» (اذکابی، پیشین: ۴۷۳).

عبارات ذیل که در کتیبه عبری پیرامون بقعه و اتاق مقبره آمده، از کتاب استر برگزیده شده است: «شخصی یهودی از دارالسلطنه شوش بود که مردخای بن یائیر بن قیس بنیامینی مسمی بود.» (کتاب استر، باب دوم، آیه ۵۰). «زیرا که مردخای یهودی بعد از اخشورش پادشاه، شخص دوم بود و در میان یهود، محترم و نزد جمعیت برادران خویش مقبول شده، سعادت‌مندی قوم خویش را می‌طلبید و برای تمامی ابنای جنس خود سخنان صلح‌آمیز می‌گفت» (کتاب استر، باب دهم، آیه ۳).

گفته می‌شود دو صندوق منبت‌کاری مجلل که در وسط حرم و بر روی سقف سردابه قرار دارند، هریک بر روی یکی از قبرها قرار دارند. یکی از صندوق‌ها که بر فراز قبر استر قرار گرفته، عتیقه و قدیمی و دیگری - صندوق قبر مردخای - جدید و نوساز است. صندوق عتیقه به طول  $1/73$  سانتی‌متر، عرض ۹۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۰۹ سانتی‌متر می‌باشد. بالای آن، صندوق کوچکی به همان سبک و با همان طرز منبت‌کاری وجود دارد. وضع منبت‌کاری و هیئت صندوق می‌نمایند که از آثار قرن هشتم یا نهم هجری باشد. کتیبه‌هایی به خط برجسته عبری بر روی آن مرقوم شده است که ترجمه برخی از این کتیبه‌ها را مصطفوی به نقل از داود ساسون ربان روحانی وقت یهودان همدان و متولی پیشین بقعه در کتاب خویش آورده است. به قرار اظهار آن روحانی، مفاد کتیبه‌های موجود بر روی صندوق قبر استر، حکایت از آن دارد که در سال ۳۶۵۱ خلقت آدم، بقعه استر را ساخته‌اند. نام استر بر ضلع جنوبی صندوق مزبور مرقوم شده و ترجمه قسمتی که مربوط به بانی صندوق می‌باشد، چنین است:

«امرکرد به ساختن این صندوق بانوی عقیقه صادقه جمال ستام و برادران دانشمند او که به طبابت موکلند. جمال‌الدوله یوحزقیا و جمال‌الدوله یشوفا و یشعل». (این سه نفر برادران خانم جمال ستام هستند) (مصطفوی، پیشین: ۱۷۴) همچنین کتیبه‌های عبری دیگری در اطراف صندوق‌های قبر استر و مردخای وجود دارد که «کریپوتر» ترجمه آنها را در کتاب خویش آورده است. نوشته اطراف صندوق (ضریح) قبر استر:

«خداوند! می‌ستایم که تو مرا آفریده‌ای. می‌دانم که گناهانم سزاوار مکافات است، هنوز آرزوی بخشایش از دستان تو دارم؛ زیرا هرگاه می‌خوانمت با منی؛ وجود مقدست مرا از تمام زبان‌ها حفظ می‌کند. قلبم آرام است و ترسم از تو تقلیل می‌یابد. زندگیم به سبب نیکی تو در پایان قرین با آرامش است. ای خدا! روانم را محروم از وجود خدایت مکن. آنان که به تو عشق می‌ورزند، هرگز عذاب دوزخ را حس نمی‌کنند. ای پدر مهربان! مرا به زندگی ابدی راه بنما که شاید از میوه‌های بهشت بهره‌مند شوم. استر» (اذکابی، پیشین: ۵۳۲).

صندوق دیگری که در شمال صندوق عتیقه واقع گردیده، متعلق به مردخای می‌باشد و نزدیک ۹۰ سال پیش به جای صندوق عتیقه که در اثر یک آتش‌سوزی سوخته بود، ساخته شده است و روی آن نام سازنده صندوق چنین خوانده می‌شود: «عمل عنایت‌الله بن حضرت قلی تویسرکانی». ابعاد این صندوق با ابعاد صندوق عتیقه تقریباً برابر است و قسمت بالای آن که صندوقچه می‌باشد به کلی نوساز است، یهودیان همدان اظهار می‌دارند که استاد عنایت‌اله سازنده این صندوق از دو چشم نابینا

بوده، شبی را در بقعه استر به صبح می‌آورد و چشمان خود را باز می‌یابد و به شکرانه این شفا و معجزه، صندوق ظریف عالی فوق را می‌سازد (مصطفوی، همانجا). بر روی صندوق نوساز مردخای به خط عبری نسب‌نامه مردخای تا زمان «شاغول» که در همدان می‌زیسته، مشاهده می‌شود (خزائل، ۱۳۲۳: ۲۲).

«کرپورتر» ترجمه کتیبه صندوق قدیمی مردخای را در کتاب خویش به این مضمون آورده است: داود می‌گوید:  
 «ای خداوند، مرا حفظ بفرما. من اکنون در حضور تو هستم، بر دروازه بهشت گریسته‌ام که تو خدای منی و چه نیکی از تو دیده‌ام ای پروردگار! آنان که بدن‌هایشان اکنون در زیر خاک است، هنگامی که از بخشایش تو جان گرفتند، بزرگ بودند و آن چه در این جهان بر آنان اعطا شد، از سوی تو بود. ای خدا! اندوه و رنج‌هایشان در ابتدا بسیار بود ولی خوشبخت شدند، زیرا همواره نام مقدس را در سختی‌ها بر زبان راندند. تو مرا بلندمرتبه کردی و من نیرومند گشتم. دشمنان در نخستین ساعات زندگیم در صد نابودیم برآمدند؛ لیکن سایه دست تو بر سر من بود و مرا چون خیمه‌ای از شر مقاصد پلیدشان حفظ کرد. مردخای».

در فاصله میان دو صندوق، سنگی که با قفل و زنجیر به کف اتاق محکم شده است، وجود دارد. روی سنگ چند سوراخ موجود است که می‌توان از آنجا سردابه و دخمه زیر اتاق را دید و تنها راه ورود به سردابه همین دهانه است. بنا به گفته متولی مقبره، سردابه دهلیزگونه‌ای است به طول ۷ متر و عرض ۳ متر و ارتفاع در حدود ۲/۵۰ متر. بر طبق اعتقادات یهودیان هرگز کسی نمی‌تواند به داخل سردابه وارد شود و چنانچه کسی این کار را انجام دهد در دم می‌میرد. (جهانپور، ۱۳۷۹: ۲۳۶) بی‌شک این گونه داستان‌ها برای مقابله با افرادی است که به خاطر کنجکاوی قصد ورود به داخل سردابه را دارند. در قسمت شمال اتاق مقبره و متصل به آن، اتاق دیگری به صورت صفا یا شاه‌نشین قرار دارد که طول شمالی - جنوبی آن ۳/۵۰ متر و عرض شرقی - غربی آن ۳ متر می‌باشد. در قسمت انتهای شاه‌نشین مذکور در ضلع شمالی، دریچه و نورگیر کوچکی وجود دارد که بخشی از روشنایی اتاق مزبور را تأمین می‌نماید. گنبد بنا نیز بر فراز اتاق مقبره قرار دارد که پوشش داخلی آن نیم‌کروی می‌باشد. در چهارگوشه اتاق مقبره در قسمت‌های فوقانی با تعبیه فیلیپوش‌هایی، چهارضلعی به هشت‌ضلعی تبدیل شده و سپس کاسه مدور گنبد بر روی آن قرار گرفته است. تمامی قسمت‌های داخلی و زیرین گنبد را نیز با روکش گچ سفیدکاری کرده‌اند. به جز موارد ذکر شده، تزئین خاص دیگری در داخل بنا مشاهده نمی‌شود.

#### برآیند

یهودیان معتقدند، این یادمان تاریخی، مدفن و مزار «استر»، ملکه و همسر یهودی شاهنشاه خشایارشا هخامنشی و «مردخای» عموی وی می‌باشد ولیکن هم‌اینان تاکنون مدرک مستند و مدلی برای اثبات نگره خویش ارائه نکرده‌اند. تنها مدرک و دلیل ایشان برای اثبات این ادعا، استناد به مطالب مندرج در کتاب «استر» تورات می‌باشد که کتاب مذکور و مطالب موجود در آن به دلایل مختلف از جمله وجود تناقضات تاریخی بسیار در متن آن، مقبول محققان و پژوهشگران قرار نگرفته و ایشان مطالب این کتاب را یکسره جعلی و ساختگی دانسته‌اند. با توجه به این رهیافت، پژوهشگران و محققان چندی بر آن شدند تا با مطالعه و تحقیق درباره ابهامات موجود در ارتباط با این مزار تاریخی به تبیین و روشن کردن این پیچدگی‌ها و ابهامات بپردازند و هویت، نسب و تبار مدفونین احتمالی در این بنا را روشن کنند. نظری اجمالی به نگره‌ها و فرضیات مطروحه در این باره از سوی محققان مذکور، بیانگر این مطلب می‌باشد که علیرغم مطالعات گسترده‌ای که در این زمینه انجام گرفته، تاکنون هیچ‌گونه اتفاق نظر و توافق کاملی درباره شناخت هویت مدفونین احتمالی در سرداب این بنا و اساساً شناخت و تعیین ماهیت کارکردی و همچنین قدمت جایگاه اولیه آن حاصل نشده است و این مهم همچنان در پرده‌ای از ابهام باقی‌مانده است. نوشته‌های محققان گوناگون و ارائه نظریات متنوع از سوی آنها از چندین سده پیش تاکنون، منجر به شکل‌گیری و پدیدآیی فرضیات، آراء و عقاید مختلف و گاه متضادی درباره ماهیت مزار و قدمت جایگاه اولیه آن شده است که هیچ‌یک از آنها نیز تاکنون به مرحله اثبات قطعی نرسیده و تنها تردیدهای موجود را قوت بخشیده است. بنابراین به نظر نگارنده، هر بحثی در این زمینه مبحثی مقدماتی تلقی می‌شود، ولیکن آنچه در پایان این مقاله می‌توان به عنوان نتیجه و حاصل سخن بیان کرد این‌که، نگارنده نیز همداستان و موافق با نظر برخی از محققان، بر این باور است که این بنا به دلایل مختلف از جمله وجود تناقضات تاریخی بی‌شمار در متن کتاب «استر» تورات که به عنوان تنها سند و مدرک یهودیان در انتساب این بنا به قوم یهود به‌شمار می‌رود و وجود ابهامات بسیار دیگر در این باره که بیشتر به تفصیل به آنها

پرداخته شد، نمی‌تواند مدفن و مزار واقعی «استر» و «مردخای» یهودی باشد. به احتمال قوی این بنا بر روی بقایای معبد یا پرستشگاهی مربوط به مراسم و آئین‌های پرستش «ایشتار» و «مردوک» بابلی که آئین‌های مربوط به آنها در نیمه اول هزاره اول ق.م. به تاسی از بین‌النهرین در لبه غربی فلات ایران مرسوم و متداول بوده‌است، ساخته شده و احتمالاً سپس از سوی یهودیان ساکن در هگمتانه به عنوان بنای یادگاری و یادمان «استر و مردخای» یهودی اسطوره‌ای نامبردار گشته که به اشتباه مدفن و مزار آن دو نام گرفته‌است. این احتمال نیز می‌رود که در عصر ساسانی، اجساد «شوشین‌دخت» یهودی همسر یزدگرد یکم ساسانی (۴۲۰ - ۳۹۹ م.) و پدرش «رأس‌الجالوت» یهودان در این بنا مدفون شده باشند؛ زیرا که این دو نیز از هر حیث خدمات شایان توجهی به قوم یهود کرده و از احترام و جایگاه والایی در بین یهودیان برخوردار بوده و یهودان به پاس خدمات این دو شخصیت یهودی، اجساد آنها را در این بنا مدفون کرده بودند. با عنایت به این مطلب، این فرضیه نیز دور از انتظار نمی‌باشد که یهودیان به مناسبت دفن این دو شهیر یهودی (شوشین‌دخت و پدرش) در این مکان و برای ممانعت از وارد شدن هرگونه آسیب احتمالی در گذر زمان به آنجا، برای این مزار، پیشینه تاریخی - مذهبی اساطیری (ساختگی) قائل شده و این بنا را مدفن و گورگاه (هرچند جعلی و ساختگی) استر و مردخای مذکور در تورات، که از هر بابت برای قوم یهود از احترام و منزلت مذهبی فراوانی بهره مند بوده‌اند، دانسته باشند تا بدین وسیله هم این بنا و مزار شوشین‌دخت و پدرش را از هرگونه آسیب و گزند احتمالی بدخواهان و دشمنان یهود مصون بدارند و هم این که با این اقدام برای تمامی قوم یهود و یهودان ساکن در ایران‌شهر و به‌ویژه یهودان مهاجر، تبعیدی و غیربومی هگمتانه، پیشینه و شناسنامه تاریخی توطن و نشیمن‌گزینی دروغین ساخته و خود را از اقوام بومی و اولیه مقیم و ساکن در هگمتانه (و نه تبعیدی یا مهاجر و غیربومی) و به تبع آن ایران‌شهر بدانند.

با توجه به این مطالب می‌توان معتقد بود که دفن شوشین‌دخت یهودی و پدرش رأس‌الجالوت در این مکان علاوه بر آن که نشان‌دهنده بزرگداشت و دوستداری آن‌ها توسط یهودان می‌باشد، احتمالاً دلایل سیاسی - تاریخی نیز داشته‌است. درباره کتاب «استر» نیز می‌توان گفت که شاید هم‌زمان با تغییر ماهیت و کارکرد اولیه این بنا از «معبد» به «مزار» توسط یهودیان و تبدیل و تغییر نام آن از «ایشتار و مردوک» به «استر و مردخای» و شاید مدت زمانی پیش از این اقدام، هم‌اینان دست به کار شده و برای سندیت بخشیدن به این مکان نوظهور، کتابی را با نام «استر» و داستان و افسانه‌ای را نیز به نام «استر و مردخای» ساخته و پرداخته کرده و به عنوان هفدهمین سفر از اسفار چهل‌گانه مجموعه کتب مقدس (عهد عتیق) و یکی از کتاب‌های تشکیل‌دهنده تورات، جعل و به آن افزوده باشند که در واقع این اقدام نیز خود به وضوح نشانگر اقدامات یهود در پیشینه‌سازی توطن و نشیمن‌گزینی یهودان در هگمتانه و ایران‌شهر و معرفی خود به عنوان یکی از اقوام کهن، بومی، ریشه‌دار و تأثیرگذار در تاریخ ایران می‌باشد که از رهگذر این تحریفات مخرب‌گونه، این قوم توانست به منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و ... سرشار و کلانی در طول تاریخ دست یابد.

به نظر نگارنده، سازمان میراث فرهنگی می‌تواند با انجام گمانه‌زنی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در قسمت‌های مختلف بنا، به مدارک، اطلاعات و آثار فرهنگی - تاریخی و باستان‌شناختی ارزشمندی دست یافته و سهم بسزایی در روشن نمودن ابهامات و راز آلودگی‌های این بنای تاریخی داشته باشد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. مهم‌ترین منبع به زبان فارسی میانه (پهلوی) درباره سازمان ایالت شاهنشاهی ساسانی، کتاب «شهرستان‌های ایران‌شهر» می‌باشد که به بحث درباره مراکز استانها و ایالات دوره ساسانی می‌پردازد. این کتاب با نام بردن از شهرهای سراسر آسیای میانه، فلات ایران، بین‌النهرین و خاورمیانه که شهرهای مکه و مدینه و بخشی از آفریقا را نیز در بر می‌گیرد، چشم انداز خوبی از شهرسازی و سازماندهی ایالات شاهنشاهی در اختیار می‌گذارد. گفته می‌شود که بسیاری از این «شهرستان‌ها» - این واژه را می‌توان «مراکز استان» یا «شهرهای مهم» ترجمه کرد- یا توسط شاهان ساسانی ساخته شده یا مورد بازسازی قرار گرفتند و از این‌رو نام شاهان را

- بر خود دارند. مورخان ایرانی مسلمان نظیر حمزه اصفهانی نیز فهرست طویلی از شهرهای ساخته شده توسط شاهان ساسانی ارائه می‌کنند که مؤید نوشته‌های کتاب فوق‌الذکر است. یادآور می‌شود متن این کتاب، تاریخ اداری-جغرافیایی دقیقی نیست اما حاوی نگرش پادشاهی بنا بر جزم‌های زرتشتی است.
۲. برخی دیگر از محققان معتقدند این کتاب در زمان منصور عباسی (۷۷۵-۷۵۴م) تألیف شده اما متکی به یک منبع اصیل و صحیح ساسانی بوده است (دریایی، شاهنشاهی ساسانی: ۱۲۵).
۳. در کتاب «شهرستان‌های ایران‌شهر» چنین آمده: «شهرهای شوش و شوشتر را شیشیندخت، همسر یزدگرد، پسر شاپور بنا نهاد، چون این زن دختر «رش گلوت» شاه یهودیان و نیز مادر بهرام‌گور (۴۳۸-۴۲۱م) بود».
۴. عده‌ای از پژوهشگران «رأس الجالوت» را «رش گلوت (Res Galut) پهلوی» یا همان «رش گلوته» (Res Galutha) آرامی به معنای «پیشوای اسیران بابل» دانسته‌اند (دریایی، شاهنشاهی ساسانی: ۷۲). برای اطلاعات بیشتر درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یهودیان در ایران باستان بنگرید به: نیوسنر، ج؛ *یهودیان در ایران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان*، ج ۳، قسمت دوم: ۳۶۳-۴۵، همچنین؛ دریایی، *شاهنشاهی ساسانی*: ۷۴-۷۲.

## کتابنامه

### الف: فارسی

۱. اذی، ساموئل؛ ۱۳۸۱، *آیین شهریاری در شرق*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. اذکایی، پرویز؛ ۱۳۸۰، *همدان‌نامه (بیست مقاله درباره مادستان)*، همدان، نشر مادستان.
۳. اینوستراتنتسف، کنستانتین؛ ۱۳۴۸، *مطالعاتی درباره ساسانیان*، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. بروگش، هاینریش کارل؛ ۱۳۶۷، *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه مهندس کردبچه، تهران اطلاعات.
۵. پولاک، ادوارد یاکوب؛ ۱۳۶۸، *سفرنامه: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
۶. جکسن، آبراهام ولنتاین؛ ۱۳۵۲، *سفرنامه: ایران در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی.
۷. جهانپور، علی؛ ۱۳۷۹، *دیدنیهای همدان*، همدان، فن‌آوران.
۸. خزائل کردستانی، رضه؛ ۱۳۲۳، *جغرافیای همدان*، تهران، بنگاه مطبوعاتی افشاری.
۹. دریایی، تورج؛ ۱۳۸۳، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس.
۱۰. ذکاء، یحیی؛ ۱۳۴۲، *پاسخ به پرسش درباره اصالت مقبره استر و مردخای همدان*، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۱۱.
۱۱. صابری، احمد؛ ۱۳۷۵، *تاریخ مفصل همدان*، ج اول، عین‌القضات.



۱۲. گابریل، آلفونس؛ ۱۳۴۸، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تصحیح و تکمیل هومان خواجه‌نوری، تهران، ابن‌سینا.
۱۳. گروته، هوگو؛ ۱۳۶۹، سفرنامه: ترجمه محمد جلیلود، تهران، نشر مرکز.
۱۴. لوی، حبیب؛ ۳۹ – ۱۳۳۴، تاریخ یهود در ایران، ۳ جلد، تهران، یهود ابروخیم.
۱۵. مصطفوی، محمدتقی؛ ۱۳۳۲، هگمتانه، آثار تاریخی همدان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۶. نیوسنر، ج؛ ۱۳۸۱، یهودیان در ایران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، گردآورنده احسان یارشاطر، جلد سوم، قسمت دوم، تهران، امیر کبیر.
۱۷. هرتسفلد، ارنست؛ ۱۳۵۵، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی؛ ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انجمن آثار ملی.
۱۸. یاسی گابای، الیاس؛ ۱۳۸۷، آرامگاه استر، فرزندان استر (مجموعه مقالاتی درباره تاریخ و زندگی یهودیان در ایران)، به کوشش هومن سرشار، ترجمه مهرناز نصریه، تهران، نشر کارنگ.

ب: زبان‌های دیگر

1. Brown, S. 1997. *Ecbatana*, ( in ) Encyclopaedia Iranica. Vol VIII. New York.
- 2 . Chevalier. N , 1989. *Hamadan 1913: Mission Oubliee*. Iranica Antiqua. xxiv.